

فاطمه محکوم به اعدام: کاش فرصت داشتیم تا رضایت بگیریم

نامه دختر فاطمه به آیت الله هاشمی شاهرودی: امیدم را ناامید نکنید
من به عنوان عضوی از این جامعه و دختری تنها و درمانده، از شما
خواهش به تعویق انداختن این حکم را دارم و می دانم که این کار فقط به
امر شما امکانپذیر است

روزنامه همشهری
شنبه 18 مهر

ماه است که در زندان منتظر اعدام هستم. خبری که منتشر کردید شرایط
من را تغییر نداد. اما همه بند زنان از خبر شما شوکه شدند...
فاطمه - پ متهم به قتل همسر صیغه ای اش که فرار است حکم اعدامش
چهارشنبه آینده اجرا شود، با صدایی آرام ادامه می دهد: 9 ماه پس از
بازداشتم. تنها در يك جلسه دادگاه شرکت کردم. فردی که نامش قبلا به
عنوان وکیل تسخیری به من اعلام شده بود در جلسه دادگاه حاضر نشده
بود و همان جا فرد دیگری به عنوان وکیل در دادگاه حاضر شد که پس از
اظهارات من، او اعلام کرد به دلیل اطلاع نداشتن از مفاد پرونده طی 20
روز آینده لایحه اش را به دادگاه تقدیم خواهد کرد.

فاطمه می گوید: مدتی بعد داد نامه ای که در آن حکم اعدام، 7 سال
حبس تعزیری و پرداخت یکهزار درهم دیه به نفع دولت صادر شده بود،
شفاهای به من ابلاغ شد. 20 روز بعد اصل حکم به دستم رسید که
براساس آن اعتراض کردم. اما از 11 مرداد سال ۸۱ نه نتیجه اعتراضم به
من ابلاغ شده، نه تایید حکم توسط دیوان عالی کشور. اگر پیش از این
می دانستم که حکم اعدامم تایید شده به هر شکل ممکن سعی
می کردم رضایت خانواده مقتول را جلب کنم.

ساعتی بعد نامه ای با دست خط زهرا، دختر فاطمه به دفتر روزنامه
می رسد او که نمی داند چگونه نامه را به دست آیت الله شاهرودی
برساند می گوید: تا حالا چهار نامه به آیت الله شاهرودی نوشته ام که به
هیچکدام پاسخ نداده اند. حالا شما این نامه را چاپ کنید، شاید به دست
ایشان برسد.

متن کامل نامه به این شرح است:

هوالمحبوب

به نام خدا، خدایی که انسان را آفرید، مادر را آفرید، فرزند را و عشق میان
آن دو و هیچ چیز و هیچکس جز خود او نخواهد توانست میان این دو فراق
و جدایی بیافریند .

با سلام خدمت جناب آقای شاهرودی.

این چهارمین نامه ای است که طی چند ماه اخیر برای شما می نویسم
اما دریغ از یاری و جواب، نامه را در حالی می نویسم که از شدت
ناراحتی و درد نمی دانم به کجا بگریزم و سر به کدامین کوه و دشت
بگذارم. من، زهرا، دختری هستم که در نهایت تنهایی و بی کسی
دستانم را اول به سویی خداوند دادار و بعد به سویی شما دراز کرده ام به
امید مدد. حاج آقا امروز در روزنامه همشهری تاریخ اجرای حکم قصاص
زنی را خوانده ام که فقط و فقط برای دفاع از من، دختر 16 ساله اش
اقدام به کشتن شوهر خود کرده است، اما دریغ و صدها هیئات که هیچ
کس وی را درک و حرف او را قبول نکرد. اما می خواهم بدانم آیا واقعا شما
این را عدالت می دانید؟ [...] که يك مادر به جرم دفاع از حریم و عفت يك
دختر باکره، سه سال از عمر خود را در گوشه زندان سپری کند و پس از
فقط يك بار دادگاهی شدن به سویی مرگ رهسپار شود و با زندگی و
دخترانش اینچنین وداع بگوید؟ [...] آیا واقعا خداوند به این راضی است که
يك مادر، کسی که هیچ کس صدای فریادش را نشنید، این چنین به
آغوش مرگ رهسپار شود؟

جناب آقای شاهرودی، خلاصه مطلب اینکه من می دانم وقتی نمانده و خیلی دیر است اما من به عنوان عضوی از این جامعه و دختری تنها و درمانده، از شما خواهش به تعویق انداختن این حکم را دارم و می دانم که این کار فقط به امر شما امکانپذیر است.

هم اینک چون به استقبال ماه مبارک می رویم در این ماه شاید مادر بتواند کمی از بار گناه خود را بر زمین بگذارد و البته با جرات بگویم که من این کار وی را گناه به حساب نمی آورم و می دانم که در درگاه حق تعالی نیز اینچنین است، مطمئناً.

و امیدوارم این ماه عبادت، دل مادر داغدیده مقتول را نرم کند تا با گذشت از قصاص مادرم، او را ببخشد و به ما بازگرداند.

می دانم که این امر فقط به دست شماست. عاجزانه خواهش می کنم دست رد بر سینه من نزنید و مرا از خود نرانید و امیدم را ناامید نگردانید.

زهرا الف.الف

محمد علی داد خواه وکیل پایه یک دادگستری در خصوص میانی حقوقی حضور وکیل در دادگاه رسیدگی به اتهام متهم به قتل می گوید: اصولاً میانی صدور یک حکم عادلانه، بر این پایه استوار است که به متهم فرصت و مهلت کافی جهت دفاع داده شده باشد. زیرا قانون اساسی ما در زمره ارکان تشکیل صحیح و قانونی دادگاه، وجود وکیل را ذکر کرده است. به گونه ای که اعلام کرده در همه دادگاه ها باید وکیل حضور داشته باشد و چنانچه طرف نتواند برای خود وکیل انتخاب کند، نظام مکلف است برای چنین شخصی تعیین وکیل کند. وکیل یعنی مطلع آگاهی که نسبت به پرونده و بایدها و نبایدهای قانونی آن اشراف و اطلاع وافی داشته باشد، در موضوع حاضر که ورود وکیل به پرونده مقارن است با تشکیل دادگاه، بی گمان هدف و فلسفه حضور و وجود وکیل رعایت نشده است.

زیرا اولاً در پرونده کیفری ایراداتی در خصوص تحقیقات، تجسس و رسیدگی های بدوی می توان مشاهده کرد که همه اینها را باید در قبل از دادرسی با دادرسان مطرح کرد تا بتوان با خط مشی صحیح روند پرونده را به مسیری سوق داد که حقوق متهم تأمین شود. این امر در هنگامی که متهم وکیل انتخابی و تعیینی ندارد، بیشتر به چشم می خورد. زیرا در موضع وکیل تعیینی بنا به موقعیت موکل آمد و شد و ملاقات و دیدار بین وکیل و موکل رخ خواهد داد و در چنین شرایطی وکیل با تسلط و اشرافی که بر قضایا پیدا می کند به شایستگی از عهده دفاع برخوردار می شود.

در مقابل در صورتیکه وکیل تسخیری هیچ دیداری از متهم نداشته و تا قبل از شروع دادگاه حتی یک بار هم پرونده را توری نکرده انتظار بهبودی ای است که وکیل همه حقوق موکل را حفظ و دادگاه را نسبت به کاستی های رعایت حقوق موکل آگاه کرده باشد. وی در پاسخ به این سوال که آیا عدم امکان تجدید نظرخواهی از موارد تضییع حقوق متهم است یا خیر می گوید: فارغ از این موارد دادرسی در امور کیفری راه حل ها اعتراضات مختلفی را جهت رسیدگی مجدد و احتمالاً نقض

تصمیمات پیشین پیش بینی کرده است که خلاف هر یک از این موارد نادیده انگاشتن حقوق متهم است. در پرونده حاضر متهم می تواند به دیوان عالی کشور، به هیات تشخیص و به قسمت نظارت و پیگیری مراجعه کند. اینها حقوق غیرقابل انکار متهم است. هیچکس و هیچ مقامی حق حذف یا محدود کردن حقوق قانونی اشخاص را ندارند. زیرا حق قابل اثبات به وسیله اشخاص غیرذی حق نیست. بنا بر مراتب احراز می شود و حقوق خانم فاطمه پژوه در موضع نگرش به بایدهای قانونی رعایت نشده است. بی گمان دادنامه ای وجاهت قضائی دارد که همه ضوابط قانون و قواعد مورد نظر مقنن در هنگام صدور آن رعایت شده باشد.

بدیهی است در این موارد که عموماً قواعد امری هستند و عدول از آن ناممکن است، به هیچ وجه مقام قضائی حق نادیده انگاشتن آن را ندارد. در همه نظام های متکی به قانون نوشته، تشریفات امره است و اصولاً اگر تشریفات رعایت نشود امکان اجرای صحیح و دقیق قواعد موجد حق (ماهیتی) قابلیت اجرا و عمل را به رسمیت نمی آورد.

از یاد نبریم که اگر قانون مجازات قانون گناهکاران است، آئین دادرسی قانون بی گناهان است تا کسانی که به نظر قانون در مواضع و مراجعی از حدی تخفیف یا میزانی بخشش یا موضعی به دور از مجازات در نظر گرفته

شده اند، برخوردار شوند. به نظر می رسد چون اعدام در زمره بالاترین مجازات ها محسوب می شود و چه از نگرش فقهی که توصیه به گذشت، عفو و بخشش است و چه از منظر نظام قانونی که راه های ارایه گذشت شاکه یا تبدیل به دیه یا برخورداری از عفو یا دیگر نگرش هایی که با توجه به موقعیت متهم یا انگیزش مقتول و تحریک در موضع وقوع جرم مورد بررسی قرار بگیرد. به نظر می رسد که رسیدگی عادلانه و منصفانه موکول بر آن است که این بایدهای قانونی را به طور دقیق و صحیح اعمال و اجرا کنیم.

دادخواه در مورد راه حل های موجود برای رسیدگی مجدد پرونده و تغییر زمان اجرای حکم توضیح می دهد: با عنایت به اینکه احراز می شود بسیاری از موارد امره به طور صحیح عمل نشده است، دادیار ناظر اجرای احکام می تواند موارد را به دادگاه اعلام کند و فعلا اجرای حکم را به تاخیر بیندازد. مضافا به اینکه رئیس قوه قضائیه نیز دارای اختیارات کافی در این خصوص هستند. علاوه بر این دادستان کل کشور نیز دارای اختیار کافی در زمینه تجدید محاکمه و رعایت این موازین است